

بدعت در وطن پرستی

ضمیمه تحریر

مناظره آقای میرقادری و امید دانا

امیرفیض- حقوقدان

بدعت به معنای کارنو و بی سابقه است. بدعت اگر خلاف اخلاق و باور عموی و نص و قانون باشد محکوم به رد است و جامعه تکلیف مقاومت دارد؛ زیرا بدعت مانند یک آب باریکه متعنی است که اگر سد نشود بقیه آب های سالم را هم فاسد میسازد.

دراظهارات سابق امید دانا بدعتی درسیره وطن پرستی ارایه شده که درموقع اظهار آن، کوتاهی شد که در مقام محکومیت قرارگیرد و اکنون که مناظره ایرانیار گرامی آقای میرقادری در اکران تحریرات قرار گرفته شاید بهترین و مناسب ترین موقع برای محکوم ساختن آن بدعت زشت و ناپاک فراهم شده باشد.

احمال قضیه

اجمال موضوع اینست که درمقابل اعتراضاتی که نسبت به کردار و گفتارهای امید دانا دربرنامه های رودست او شده، امید دانا علت آن تهاجمات و فحاشی ها را **درد وطن دانسته** است و با این بدعت نادرست، متاسفانه قضیه به آنجا میرسد که **درد وطن خواهی**، با فحاشی به نماد ملت و اتهامات عدیده بسیار سنگینی که شخص متهم را از مدار انسان حقوقی خارج میسازد قابل درمان است، و در عبارت دیگر، دلیل وطن پرستی افراد توسل آنان به فحش و محکوم ساختن افراد آنهم شخصیت نماد ملت ایران است و اگر کسانی که دور این عمل زشت و غیراخلاقی و غیرقانونی نمیگردند **درد وطن** ندارند و بیغیرت ملی تشریف دارند.

چنین ادعائی درطول تاریخ هرگز و ابدا دیده نشده است؛ البته متقابلا هم میتوان گفت که درطول تاریخ انسانی به وقاحت و بی شرمی امید دانا هم وجود نداشته است.

وسعت بدعت

موضوع که کمترین رخ آمده وسعت و شمول بدعت امید دانا است؛ بظاهرشمول بدعتی متوجه شخص «شاهزاده رضاپهلوی» نماد ملت و فرزند شاهنشاه است ولی درمعنا و به اعتبارفرهنگ فردوسی تمام اهانت ها و اتهامات و فحاشی های امید دانا و همفکران او متوجه پیامبراسلام هم میشود.

نه تنها شه و خسروکشوراست که شاه است درارج پیغمبراست

اهمیت بدعت مزبور

کار و عمل و یا اظهارات بیسابقه، خود به خود بدعت نیست و عنوان کارخلاف و یا نظریه نادرست را دارد ولی وقتی آن نظر و یا عمل، مورد تاسی و تائید عده ای قرار گرفت و از آن عمل استقبال شد آنوقت، قضیه میشود بدعت و چون موضوع بدعت گذاری امید دانا با تاسی و استقبال گروهی به تعداد ۵۰ «نفر» اسمی و بیست میلیون ادعائی با واسطه و نمایندگی! شخصی بنام علی فرازنده روپوشده است لذا اظهارات او را باید در مسیر بدعت ارزیابی کرد نه یک نظریه.

وسيله ارزايی

معمول ترین و آسان ترین وسیله ارزیابی یک بدعت مقایسه آن با بدعت های مشابه است که این تحریر با اجازه خوانندگان محترم، از بدعت لعن و فحش به رهبران تسنن بوسیله شیعیان استفاده میکند.

مقام تشبیه

عبدالله بن سبا یک یهودی از اهل یمن بود که به دین اسلام درآمد (۱)

محققین نوشته اند که ورود عبدالله بن سبا به اسلام ظاهری و برای خرابکاری بوده است.

> مورخان و علمای مشهور سلف و خلف اتفاق نظر دارند که ابن سبا عقاید و افکار و نقشه های پلیدی را در میان مردم منتشر ساخت (۲) تا مسلمانان را از دین و امامانشان برگرداند و میان آنان تفرقه و اختلاف بیاندازد (۳)

عده ای او باش گرد اوجم شدند (۴) که همین افراد طایفه سبنیه را تشکیل دادند (۵) که منجر به کشته شدن عثمان گردید (۶) آنها در توجیه طرح و تبلیغات و نشر افکار خود بسیار با مهارت عمل میکردند (۷).

جہات تطبیق

۱- همانطور که عبدالله بن سبا (ابن سبا) برای کسب موفقیت به اسلام گروید، امید دانا هم برای کسب موفقیت که ایرانیان یک احترام قلبی بمناسبت توصیه کردار نیک برای دین زرتشت قائل هستند، و زیرخیمه دین زرتشت مصونیت بیشتری در جا اندازی ادعاهای سخیفش دارد، به آن دین در آمده است. [[ستون پنجم]].

۲- امید دانا چون آن ظرفیت علمی که بتواند علمدار افکار و اندیشه هائی باشد را ندارد خود را در موقعیت اطلاع رسانی معرفی میکند که اگر ناقل اطلاعات و روایات نادرست و کذب است، عامل شناخته نشود، درست برعکس ابن سبا.

(۳- تردید نیست و لازم به توضیح هم نمیباشد که همانطور که ابن سبا توانست بین مسلمانان یک تفرقه و دشمنی غلیظ و عمیق ایجاد کند امید دانا هم به قصد ایجاد تفرقه بین سلطنت طلبان به این راه قدم گذاشته است و تا حدودی هم موفق شده است.

آنروز که ابن سبا به آن جنایت تاریخی دست زد هیچکس باور نمیکرد که دوام آن جنایت یعنی ایجاد تفرقه بین مسلمانان تا به امروز که حدود ۱۴۰۰ سال است دوام یابد. برای مدت اثرگذاری جنایت امید دانا و تیمش هم نمیتوان قائل به مدت شد.

(۴- همانطور که عده ای اوباش دور ابن سبا جمع شدند حداقل ۵۰ نفر از کسانی که اوباش هم نبودند، بدور امید دانا جمع شدند که اسامی آنها منتشر شده است و نام کسانی در آن جمع است که تصورش هم محال مینمود.

(۵- همانطور که طرفداران ابن سبا با نام خاص سبیه شناخته میشوند طرفداران امید دانا هم بعنوان امضا کنندگان نامه هشدار خوانده میشوند.

(۶- همانطور اقدام ابن سبا منجر به کشته شدن عثمان شد، اقدامات نامه هشدار هم به معیت امید دانا به قصد سلب اعتبار و شخصیت از اعلیحضرت جریان یافته که از قتل نفس هم بمراتب بدتر است.

(۷- همانطور که محققین و علمای مشهور، برنامه ابن سبا را با مهارت شناخته اند، تحریرات هم با همین مطنه مواجه شد و نوشت که توطئه نامه هشدار با بصیرت و مهارت خاص و رعایت پنهان کاری تهیه و اجرا شده است.

تشابه دیگر

ابن سبا ابتدا که مسلمان شد طرفدار خلفای وقت اسلام یعنی ابوبکر و عمر و عثمان بود؛ بعدا تغییر جبهه داد و شد مخلص علی؛ این راه نفوذ در یک گروه عقیدتی میباشد. [[ستون پنجم]].

همانطور هم امید دانا ابتدا از طرفداران پروپا قرص اعلیحضرت رضاشاه دوم بود (انتخاب راه نفوذ) و بعد ها که اوضاع را در هم و برهم دید و مشتریانی برای خریدن او ظاهر شدند، طرفداری از خودش و هوای رهبری را برداشت و یکدفعه شد دشمن درجه یک اعلیحضرتی که هنوز در آن زمان بنظر امید دانا نماد ملت ایران بود. البته این قبیل خودسری ها مختص او نبود دیگران هم مانند مهرداد خوانساری و داریوش همایون، منوچهر گنجی و بسیاری بودند که ادعای رهبری کردند و بقول خوانساری رضاپهلوی باید بدنبال ایشان بروند ولی آنها در مقام دشمنی و اتهام و فحاشی با اعلیحضرت بر نیامدند و فقط خودشان را باد کردند، و اکنون هم شهرام همایون و سعید شمیرانی هستند که اولی رئیس حکومت ملی و دومی فرماندهی با داشتن ۳۰ میلیون مرد مسلح آنها آماده، فرماندهی میکند.

قبله جان را چو پنهان کرده اند هرکسی رو جانبی آورده اند (مولوی)

و وقتی قبله جان را طرح هنری پرشت تحریم سیاسی و از گردونه خارج ساخته است این اوضاع که ناظریم آورده میشود.

جو عنقا پروبال خود برای جلوه بگشاید چه باشد پشه مسکین که اینجا در شمار آید

سیاست عبدالله بن سبا

****** امر مشهود در تشبیه و مقایسه مزبور اشتراک و هماهنگی در سیاست عبدالله بن سبا و امید دانا است. همانطور که سیاست ابن سبا بر توهین و لعن و تحقیر خلفای سه گانه اسلام بنا شده بود، و از این طریق توانست اشتقاق بین مسلمانان را بتبعیت از فصل شیعیه و سنی بگشاید و خود پرچمدار این مقوله شود. عین این سیاست مورد عمل امید داناست، تا با تحقیر و توهین و اتهامات عدیده بسیار سنگین به اعلیحضرت و ایجاد خلاء سیاسی و اجتماعی راهی برای جا انداختن خودش دست و پا ویا اهداف دیگران بوجود آورد.

****** تشابه دیگر بی حالی و سکوت مردم زمان ابن سبا بود که سبب یکه تازی و میدان داری او شد و کم کم اتهامات و فحاشی های او به خلفای اسلامی در ذهن و باور مردم جای گرفت و چنان شد که بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز آنرا میتوان در ادبیات تشیع دید.

نمونه دم دست

مشکلات سخت چون بر تونمایان میشود بر عمر لعنت بکن بنگر چه آسان میشود

گرمریضی یا که بیماری دوایت این بود بر عمر لعنت بگو هر درد، درمان میشود

همان برنامه عبدالله بن سبا را امید دانا کپی کرد و به شیوه تحقیر و متهم کردن نماد ملی ایرانیان و مقام رهبری سنتی و قانونی او پرداخت درست کاری که عبدالله بن سبا نسبت به عثمان کرد.

****** هزار و چهارصد سال است به اعتبار سیاست و اقتدای ابن سبا هر که به خلفای سه گانه اسلام فحش و تحقیر کند علامت شیعیه بودن اوست و امید دانا هم این فکر را القاء میکند که هر که به اعلیحضرت توهین و اتهام نزند **درد وطن ندارد و بیغیرت ملی است.**

با سیاست رفتاری امید دانا و اینکه فحش به شاه را دوا **درد وطن** اعلام کرده هر که فحش و اتهام و ناسزاهای سنگین تری به اعلیحضرت رضاشاه دوم بگوید بیشتر وطن پرست است و درد و وطنش را بیشتر احساس میکند و در واقع دوا **درد وطن**، فحاشی به نماد ملی ایرانیان است، همانطور که شیعیان عقیده دارند که برای درمان هر دردی عمر خلیفه دوم را لعنت باید کرد.

تفاوت عمده

****** تفاوت عمده کار ابن سبا با امید دانا این است که ابن سبا ابا به خلفای سه گانه اسلام فحاشی و اتهام زنی نکرد بلکه آنها را به نفرین و لعنت خدا مبتلا ساخت.

نفرین یعنی دور بودن از رحمت خدا. خدا در قرآن حدود ۴۰ بار افرادی را خودش لعنت و نفرین کرده است ولی هیچگاه فحش و فضاحت نداده است، و در یک آیه ترس از اینکه مردم هم به خدا فحش بدهند با حق فحش دادن مردم قدری بازی، بازی کرده است.

ولی امید دانا کمتر نفرین کرده و بیشتر شخص نماد ملی ایرانیان رامحکوم به اتهامات سیاسی و اخلاقی توام با فحش و فضاحت کرده است، و در کلامی دیگر این سببا قضیه را به خدا رجوع داده و امید دانا خودش خدائی و داوری کرده و حکم داده.

ناگفته نماند که از بین ۳۲ فحش و اتهام امید دانا به نام ملت ایران یعنی اعلیحضرت رضاشاه دوم تنها شعار مرگ بر شاه نفرین محسوب میشود که پاسخش در عرف این است >به دعای گربه کوره باران نمیاید< بقیه همه فحش و اتهام و فضاحت است.

اتهام شاه پرستی

تطابق دیگر در عمل ابن سبا این است که ابن سبا پیروان علی را به علی پرستی تشویق کرد به روایت تاریخ علی هم آن عده از پیروانش که به سیاق ابن سبا علی را میپرستیدند با آتش سوزاند.

ولی امید دانا چون خودش قدرت سوزاندن طرفداران شاه را ندارد با اتهام شاه پرستی به آنها دست جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) را برای قتل عام همه سلطنت طلبان باز و مجاز ساخته است زیرا پرستیدن تنها رابطه مخلوق و خالق است >وفاق خالق و مخلوق میشود توحید< در همه ادیان از مسیحیت و یهود و اسلام و زرتشت پرستیدن غیر خدا اتهام مهدور الدم و مجازات آن قتل است.

فراموش نکنید که در توطئه نامه هشدار طبق ادعا بیست میلیون و پنجاه نفر گواهی و شهادت به مهدور الدم بودن سلطنت طلبان را داده اند.

بنابراین تنها اعلیحضرت نماد ملت ایران از سوی امید دانا و یاران او به زیر چرخ اتهامات سنگین کشیده نشده اند بلکه سلطنت طلبان هم به حکم مهدور الدم بودن هم مزین گردیده اند (چه تحفه بزرگی است برای جمهوری اسلامی). **[[ستون پنجم]]**

هرچه می بینم همه وحشت زین فاجعه است وحشت دیگر از این، حالت بی حالی ماست

به لب رسید مرا آن سخن که نتوان گفت به حیرتم که فقیهان شهر خاموشند

حاشیه

آقای غلامعلی امیرابراهیمی به جریان توطئه نامه هشدار اعتراضی داشت که >چرا آن توطئه متوقف شده و ادامه نیافته است<؟

نگرانی ایشان موجه نیست زیرا اولاً متوقف نشده است و شتابش کم شده و این امر طبیعی است بلایا و حوادث برای کوتاه مدت میآید ولی اثرش مدتها باقی میماند و دوم اینکه جمع آوری آنهمه فحش و دشنام های سخت و اتهامات سنگین و خردکننده کار آسانی نیست؛ تتبع و کنجکاوی و زمان با سرمایه کینه

وبی شرافتی میخواهد که امید دانا و مریدانش در تقلاي رسیدن به آن ها صرف وقت لازم داشتند و دارند. شما آقای امیرابراهیمی آیا تاکنون کلمه ناپهلوی را از کسی شنیده بودید؟ مسلما خیر، آیا جمع آوری آنهمه فحش و فضاحت و اتهام که اکنون به ۳۲ مورد رسیده کار آسانی است، و سرکار قدرت و بضاعت آن لات بازی را دارید؟ تصور نمیکنم. بنابراین نگران نباشید؛ مختصر اینکه:

مرشدت باهمه بیشرمی خود دست بکار است هنوز، تا تو آنرا نگذاری به حساب زنهار.